

## بیادماندنی و قابل تحسین هوشنگ کامکار، انتخاب و تنظیم موسیقی بینوایان



آقای کامکار، مختصری در مورد خودتان برای ما بگوئید؟

متولد ۱۳۲۵ در سنندج هستم، تحصیلات موسیقی را در سنندج نزد پدرم حسن کامکار آغاز نمودم، سپس در تهران وارد هنرستان عالی موسیقی شدم و پس از آن مدت دو سال کلاسهای آموزش فرهنگ و هنر سابق را در سنندج بعنوان کارشناس موسیقی اداره کردم. پس از این مدت به دریافت درجه لیسانس آهنگسازی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران نائل شدم. یکسال در کنسرواتوار سانتا چسی چیلیای رم و بعد مدرک فوق لیسانس موسیقی را از دانشکده سائفرانسیسکو کرتم. در سال ۱۳۵۷ بلافاصله پس از انقلاب به ایران آمدم و چند سال در دانشگاههای فارابی و دانشگاه تهران به تدریس مشغول شدم و هم اکنون نیز در دانشگاه هنر مشغول تدریس موسیقی و مدیریت گروه موسیقی را دارم. اکنون نیز بیش از چهار سال است که مدیریت ارکستر سمفونیک فرهنگسرای بهمن را بعهده دارم. هم چنین مدیر هنری گروه موسیقی سنتی کامکارها نیز هستم. آثار و قطعات زیادی برای ارکستر سمفونیک، آواز، سازهای ایرانی دارم که از میان آنها: کجائید ای شهیدان، در گلستانه بروی اشعار سهراب سپهری، بیاد حافظ، بهاران آبیدر، شباهنگام (بر روی اشعار نیما) پوئم سمفونیک کردی که (دوماه پیش توسط یکی از ارکستر سمفونیک های استکهلم با اجرا درآمد)، سماع مجلسیان بر روی اشعار مولانا، میدان سبزی و میوه بر روی اشعار احمد رضا احمدی و آخرین کارم تنظیم موسیقی بینوایان می باشد، ترجمه کتابهای چون فوک و افرانسیون، اصول ارکستر اسیون، هارمونی قرن بیستم و از دیگر آثار من می باشد.

چطور شد که برای همکاری در نمایش بینوایان دعوت شدید؟

آقای بهروز غریب پور نویسنده و کارگردان بینوایان از دوستان قدیمی من است در صحبت های خصوصی همیشه تمایل به ارائه یا بوجود آوردن آثار عظیم و ماندنی داشتند که نمونه بارز آن سهم بسیار بزرگ ایشان در ایجاد فرهنگسرای بهمن یا در واقع بنیاد دیگر فرهنگسراها بود. ایشان مدتها بود که در فکر به روی صحنه آوردن این شاهکار عظیم و بیادماندنی بودند و چون با فعالیتهای من و خصوصاً شیوه کار و جدیت و سواس خاص من در خلق یک اثر آشنا بودند از من دعوت به عمل آوردند.

در مورد اجرای بینوایان و نحوه کارتان بگوئید؟

از همان ابتدا کارگردان با هر کسی که راجع به روی صحنه آوردن این اثر صحبت می کرد، همگی تعجب می کردند و خیلی ها حتی تصور چنین کاری را نداشتند و لذا کنار کشیدند. حتی دوستان غیر تئاتریمان هم تعجب می کردند که چگونه رمان بینوایان را می توان با همه پیچیدگیهایش در قالب تئاتری بر روی صحنه آورد. یادم هست یک روز که در دفتر بهروز بودم شخصی که خیلی هم در کار خودش معتبر و شناخته شده بود به ایشان زنگ زد و گفت که اجرای چنین اثری غیرممکن است و نمی توانم که با شما همکاری کنم، زیرا شاید به شهرت من لطمه بخورد. هر چقدر بهروز می خواست او را متقاعد کند که فکر همه چیز را کرده ام و می توان دست به کار شد ولی قبول نکردند. خیلی دلم می خواست که این دوست عزیز در این روزها به تماشای بینوایان می آمد. البته برای من هم از جهاتی تعجب آور بود، اینکه چگونه می توان موفق بود در حالیکه این داستان برای تمام بشریت شناخته شده است، فیلم ها و سریالهای مختلف از آن ساخته شده و بهروز چه چیزی را می خواهد بنمایش بگذارد که برای بیننده جالب باشد، بدون امکانات عظیمی که در اختیار فیلم هست. دوم اینکه چگونه می توان برای تمام صحنه ها و لحظه ها موسیقی مناسب انتخاب و تنظیم نمود که با کلیه حرکات و محتوای داستان هماهنگی داشته باشد و مهم تر از همه اینکه زیاد موسیقی شناخته شده ای نباشد که توجه بینندگان را بخود جلب نماید و در واقع لطمه به کار بزند. نوشتن یا انتخاب و تنظیم موسیقی برای فیلم به مراتب آسان تر از این کار بود چرا که اولاً، آهنگساز بسیار راحت تر است که موسیقی را مطابق صحنه ها و زمانبندیهای آن بنویسد و فقط برای یکبار آن را با حرکات فیلم مونتاژ نماید و تا ابد خلاص شده است. در صورتیکه برای بینوایان بیش از یکسال وقت صرف شده، موسیقی مناسب انتخاب و با تغییراتی در آن نوار اصلی تهیه شود. تازه این اول راه بود چرا که بازیگران هم باید همیشه به موسیقی گوش بدهند و حرکات و صحنه ها با موسیقی باید تنظیم شود. در واقع پخش موسیقی در بینوایان در هر اجرا یک تجربه جدید و در واقع یک مونتاژ صدا است. بیش از چند بار متن تهیه شده کارگردان را خواندم. چندین فیلم از بینوایان بدقت دیدم و در طول این یکسال در اکثر تمرینات حضور داشته ام تا بالاخره از آهنگسازان رمانتیک خصوصاً آنهایی که بنحوی در ارتباط با سبک کارموگر و انقلاب فرانسه بود آثاری را فراهم کردم البته سعی شد که این آثار تاحدی ناشناخته باشند تا هنگام اجرا توجه بیننده را صرفاً به موسیقی جلب نکند که این کار هم بازمشکل دیگری بود. از آنجایی که به کار بهروز اعتقاد داشتم با اشتیاق زیادی قطعات مناسب صحنه ها و هم چنین موتیف های معرف شخصیت ها خصوصاً ژان والژان و ژاور انتخاب شدند و در هر تمرین با دقت و وسواسی خاص تا مرحله نهایی ضابط صدا در آنها تغییر و اصلاحاتی صورت می گرفت. در این نمایش غیر از دست اندرکاران یک نفر دیگر، کسی که بتواند بموقع موسیقی ها را توأم با افکت ها و حرکات بازیگران پخش کند به مجریان اضافه شد که کاری همچون نورپردازی است.

نقش موسیقی در تئاتر را چگونه می بینید؟

موسیقی در تئاتر، همانند موسیقی در فیلم می تواند کاربرد مهم و تعیین کننده ای داشته باشد و به بیان و شیوه انتقال مفاهیم و تأثیر پذیری کمک زیادی بکند.

آیا کار در زمینه موسیقی نمایش را ادامه می دهید؟

من اصولاً غیر از پل آزادی و تئاتر جنگ کور به کارگردانی بهروز غریب پور برای هیچ فیلم یا تئاتری یا سریال تلویزیونی موسیقی ننوشته ام. ولی اگر چنانچه فیلم یا نمایش صحنه ای جالب و تعیین کننده ای باشد شاید این کار را بکنم.

نظرتان درباره اجرای بینوایان و تأثیر آن بر تئاتر کشور

بسیار کار عظیم و ارزش مندی است. هنرپیشه گان و دیگر دست اندرکاران باتجربه و مهم تئاتر ایران در اجرای این نمایش عاشقانه شرکت کرده اند و بنظر من همه چیز «بینوایان» بیادماندن و قابل تحسین است و شاید نقطه عطفی در تاریخ تئاتر ایران است که البته این نظر شخصی من است. صاحب نظران واقع بین باید در این باره صحبت کنند ولی آنچه که به من مربوط است، یقیناً اولین تئاتری است که در ایران با چنین شیوه موسیقائی اجرا می گردد. و اگر چنانچه بجای بزرگ کردن نقاط ضعف احتمالی و یامسائلی بسیار جزئی غیر حرفه ای در این تئاتر به رشد و پرورش جنبه های مثبت آن پردازیم یقیناً آثار ارجمندتر و پرمحتوی تر نیز در آینده هم چون بینوایان روی صحنه خواهد آمد، در غیر این صورت کسانی دیگر جرأت ادامه چنین کاری را نخواهند داشت و پرگ برنده در دست آنهايي خواهد افتاد که مخالف هرگونه تحول و یا خلق آثارگرانبها و یا اصولاً هرگونه تجربه خلاق در هنر می باشند.

بنظر من شهرداری تهران، هم چون دیگر مسائل شهری و اجتماعی، سهم بسیار عظیمی در جهت آموزش، ارائه و تهیه امکانات برای معرفی آثار هنری و همچنین حمایت از هنرمندان کشور را بعهده دارد. نمونه بارز آن ایجاد فرهنگسراها، مراکز آموزشی موزه ها و نیز اجرای تئاتر بینوایان که بی شک چنین اقدامی در دنیا بی نظیر است می باشد، البته ببخشید شاید با احساس گفته باشم که در دنیا بی نظیر است ولی می توانم بگویم که من نظیرش را در دنیا ندیده و شنیده ام، این اجرا شایستگی آن را دارد که به جهانیان بعنوان افتخاری برای ایران معرفی شود.

#### توضیحات تئاتر معاصر ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟

من متأسفانه صلاحیت پاسخگویی دقیق به این سؤال را ندارم ولی بعنوان یک بیننده باید عرض کنم که متأسفانه شرایط و امکانات مناسبی برای کارگردانان و بازیگران و عوامل تئاتر بعد از انقلاب فراهم نبوده است تا رشد چشم گیری کند. و از نظر تکنیک و محتوی نه تنها درجا نزده است بلکه عقب تر هم رفته است. این شاید بدلیل کناره گیری نویسندگان و کارگردانان باتجربه تئاتر باشد و یا فقدان مراکز آموزشی. البته در موسیقی خلاف این جریان اتفاق افتاده است، علیرغم مشکلات پس از انقلاب، موسیقی سنتی،

موسیقی ملی شناسانده و رشد بسیار چشم گیری داشت و گرایش مردم به فراگیری موسیقی نیز بطور غیرقابل تصویری افزایش یافته است. البته اشکالاتی در برخی مراکز آموزشی رسمی وجود دارد ولی در کل می توان گفت که موسیقی ایران پس از انقلاب در داخل کشور و حتی در خارج از کشور معرفی و شناسانده شد. ارائه کنسرت های داخلی و خارجی، تهیه نوارها باعث حتی رشد فرهنگی شنوندگان نیز شده است اکنون آهنگساز و یانوازنده نمی تواند در کنسرت های رسمی خود بی دقت به سطح خواستگاه هنری شنوندگان شود بلکه در انتخاب و اجرای کنسرت بسیار دقیق می شود. که این باعث ارائه آثار جدی تری است. امروزه تا آنجائی که من اطلاع دارم مکان و یا اداره ای برای حمایت جدی و عمیق از تئاتر کشور وجود ندارد و اگر هم باشد در برخی موارد سدهایی در برابر آن ایجاد می کنند و با مشکلات عدیده ای که برای اجرای یک نمایش می تراشند، کارگردان، نویسنده و همگی را منحرف می کنند. لذا با چنین شرایطی چگونه یک کارگردان می تواند با فراغت از گرفتاریهای زندگی و همچنین دیگر مخارج اجرای خود نمایش در فکر تحول و اصولاً کار تئاتر باشد.

امیدوارم که اجرای «بینوایان» بتواند انگیزه ای برای ادامه این جریان و حمایت جدی از تئاتر ایران در دیگر مراکز هنری بوجود آورده و رنسانسی برای تئاتر کشور باشد و مردم را با این هنر والا آشتی دهد.

#### نظر جنابعالی در مورد فرهنگسرای بهمن و فعالیت های آن چیست؟

من چون با ایجاد فرهنگسرای بهمن، همکاری خودم را شروع کرده ام، و هم اکنون مدیریت ارکستر سمفونیک آنجا را بعهده دارم طبیعاً نظر مثبت دارم، ولی آنچه که مسلم است تغییر کشتارگاه به فرهنگسرا خود مبین تحول عظیمی است و همانطور که اطلاع دارید با برنامه های هنری، علمی، فرهنگی، مذهبی و ورزشی که در طول سال دارد نقش مهمی در ارتقاء سطح فرهنگ جامعه داشته است. تهیه و اجرای تئاتر بینوایان در سالن شهید آوینی این فرهنگسرا یکی از این موارد است. نام و اعتبار فرهنگسرای بهمن از مرزهای کشور نیز گذشته است ولی تنها توصیه ای که برای کلیه مراکز هنری دارم، این است که حال که قضا و امکانات اجرائی برای آموزش و عرضه آثار هنری خصوصاً در فرهنگسراها بوجود آمده است در انتخاب مربیان از نظر دانش هنری و نیز انتخاب آثار، کمال دقت را داشته باشند.

